

ایران شناسی در روسیه: دیروز و امروز*

نینا مامدوا**

از زمان شکل گیری ایران شناسی به عنوان یک رشته علمی، یعنی از اواسط قرن نوزدهم، دانشمندان روس در این علم نقش قابل توجهی را ایفا کردند. در جهان علمی، دانشمندان روسیه قبل از انقلاب مانند ب. دورن، ا. برزین، و. روزن، ن. خانیکف، و. میلر، و. ژورکوفسکی و دیگران شهرت زیادی دارند.

با آغاز دوران شوروی، ایران شناسی با مسائل جدیدی روبه رو شد. تغییر ایدئولوژی دولتی موجب پیدایش مبنای اسلوبی جدید گردید. بسیاری از مسائل ایران شناسی که نه فقط با عصر حاضر بلکه با تاریخ و حتی فرهنگ و مطالعه آثار خطی قدیمی ارتباط داشتند، فقط و فقط از مواضع مارکسیسم-لنینیسم مطالعه می شدند. این امر به خصوص در زمینه ارزیابی جنبش های ملی و رهبران آنها مشهود بود. سیاست خارجی عملی اتحاد شوروی و اولویت روابط با کشورهای مختلف، بر همین اساس تعیین می شد. کافی است برخورد متفاوت با متن اولین قراردادهای دوستی دولت نویناد شوروی با ایران و ترکیه ذکر شود. این تفاوت ها عمدتاً ناشی از ارزیابی متفاوت احتمال مشارکت این کشورها در روند انقلابی جهانی بود. (متنظور، وجود ماده های ۵ و ۶ در متن معاهده با

* برگرفته از مجله روسی زبان پارس (نشریه علمی، فرهنگی و تاریخی ضمیمه مجله آریا و آفریقا، وابسته به فرهنگستان علوم روسیه)، ش ۱۶، ۲۰۰۲ م.

** رئیس شعبه اقتصاد معاصر ایران در مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه.

ایران است.) ساختار موضوعی ایران‌شناسی هم دچار تغییرات زیادی شد. در کنار پژوهش زبان‌ها، ادبیات، و تاریخ، که قبل از انقلاب در مقام اول قرار داشتند، مسائل تاریخ معاصر هم مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفتند.

قبل از انقلاب ۱۹۱۷م شهرهای سنت پترزبورگ و مسکو مراکز اصلی ایران‌شناسی بودند. در دوران شوروی در شهرهای دیگر، عمدتاً در پایتخت‌های جمهوری‌های ماورای قفقاز و آسیای میانه نیز چنین مراکزی به وجود آمدند. البته، در مسکو که پایتخت شوروی بود و نهادهای دولتی مرکزی واقع در آنجا به اطلاعات و داده‌های جاری نیازمند بودند، به مسائل تاریخ معاصر توجه زیادی مبذول می‌شد. حتی در مؤسسات آکادمیک به‌ویژه در مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، تدوین یادداشت‌های تحلیلی برای کمیته مرکزی حزب کمونیست و نهادهای دولتی بخش فابل توجه فعالیت را تکمیل داد. پیش‌بینی‌های بلندمدت توسعه سیاسی و اجتماعی اقتصادی ایران تهیه می‌شدند. هم‌زمان مطالعه جنبه‌های فرهنگی، زبانی، و تاریخی توسعه ایران هم صورت می‌گرفت، ولی در برنامه‌های فعالیت‌های پژوهشی تأکید بر مسائل معاصر کاملاً آشکار بود.

ولی موضوعات ایران‌شناسی سنت پترزبورگ تغییری نکرده بود. سنت پترزبورگ اکنون هم مرکز اساسی پژوهش‌های آثار خطی، زبان، فرهنگ، ادبیات، و تاریخ ایران باستان و قرون میانه است. در مراکز جدید ایران‌شناسی نیز یک نوع «تقسیم کار» پدید آمد. در ارمنستان به مطالعه آثار فارسی و ارمنی در مورد گذشته تاریخی مشترک این دو ملت پرداختند. در قفقاز ادبیات و زبان‌شناسی اولویت داشت، گر این‌که در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰م پژوهش‌های زیادی هم در زمینه جغرافیای اقتصادی، جمعیت‌شناسی و مسئله شهرهای ایران به عمل آمد. در باکو پژوهش‌ها در زمینه تاریخ معاصر، صنایع و اصناف، مسائل کشاورزی، تاریخ آذربایجان ایران و مسائل مشترک برای ایران و آذربایجان از همه جالب‌تر بود. در جمهوری‌های آسیای میانه عمدتاً به مطالعه آثار خطی قدیمی، ادبیات و زبان، هنر و تاریخ قرون میانه ایران توجه داشتند. برنامه‌های مطالعات علمی ایران‌شناسان به طور متمرکز تنظیم و توزیع می‌شد. برنامه‌های انتشارات منطقه‌ای در زمینه انتشار آثار ایران‌شناسان با انتشارات اساسی «ادبیات شرقی» مسکو هماهنگ می‌شد تا یک کتاب دو بار منتشر نشود.

طی بیست سال اخیر در توسعه ایران‌شناسی تغییرات جدیدی پدید آمده است. جا

دارد به برخی از مسائل ایران‌شناسی که در سال‌های اخیر به وجود آمدند، اشاره‌ای داشته باشیم. این مسائل با مهم‌ترین رویدادهای سیاسی این دوران ارتباط دارند. مهم‌ترین رویدادی که برای ایران‌شناسی مسائل جدیدی مطرح کرد، ظهور جمهوری اسلامی ایران بر روی نقشه سیاسی جهان در سال ۱۹۷۹ م بود.

در همه مراکز ایران‌شناسی اتحاد شوروی، و به خصوص در مسکو، به تجزیه و تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران پرداختند. ایران‌شناسان مسکو علاوه بر ارائه مقالات در همایش‌های علمی، مجلات علمی عمومی و تخصصی، و بررسی‌های تحلیلی اوضاع جاری، هم‌چنین به تدوین و انتشار تک‌نگاری‌های علمی هم مبادرت ورزیدند. کتب ذیل به مسائل انقلاب ایران اختصاص دارند: س. ل. آقایی، ایران در گذشته و حال، مسکو ۱۹۸۱ م؛ آ. رزنیکیف، ایران: سقوط رژیم شاهنشاهی، مسکو ۱۹۸۳ م؛ س. آقایی، انقلاب ایران، ایالات متحده آمریکا و اسیت بین‌المللی، مسکو ۱۹۸۳ م؛ ی. دوروشنکو، روحانیت شیعه در ایران معاصر، مسکو ۱۹۸۵ م؛ س. آقایی، ایران نیم گذشته و آینده: رویدادها، افراد، اندیشه‌ها، مسکو ۱۹۸۷ م.

علاوه بر آن، در آثار زیادی که مستقیماً به انقلاب اختصاص نداشتند، تلاش به عمل آمد تا علل تعویض نظام دولتی ایران تشریح شود. مجموعه مقالات در این زمینه به قرار ذیل است: «اسلام در تاریخ اقوام مشرق‌زمین»، مسکو ۱۹۸۲ م؛ «اسلام در کشورهای خاور نزدیک و میانه»، مسکو ۱۹۸۲ م؛ «اسلام: دین، جامعه و دولت»، مسکو ۱۹۸۴ م. کتاب‌های تک‌نگاری: ن. مامدوا، تمرکز تولید و سرمایه در ایران سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰، مسکو ۱۹۸۳ م؛ آ. آراباجیان، ایران: تغییرات در ساختار شاخه‌های اقتصاد در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰، مسکو ۱۹۸۳ م؛ ن. کوزتسوا، ایران در نیمه اول قرن نوزدهم، مسکو ۱۹۸۳ م؛ صالح علیق، نفت و توسعه اجتماعی و سیاسی ایران در قرن بیستم، مسکو ۱۹۸۵ م؛ ن. مامدوا، کافرمانی شهری در ایران، مسکو ۱۹۸۸ م.

تک‌نگاری‌های چند مؤلف تحت عنوان انقلاب ایران: علل و درس‌ها که در سال ۱۹۸۹ م در مسکو منتشر شد، تلاشی در جهت بررسی علل و عواقب انقلاب ایران بود. حتی در دوران شوروی برداشت واحد از علل و چگونگی انقلاب اسلامی وجود نداشت. در کتاب مذکور دیدگاه‌های مختلف در این مورد منعکس شد.

تغییر اوضاع جغرافیای سیاسی منطقه و جهان بر اثر مواضع ضدامریکایی جمهوری اسلامی ایران، به ارزیابی نظریات اقتصادی و اجتماعی مدرنیزاسیون، رشد اقتصادی و

مسائل دیگر محتوای جدیدی بخشید. مسئله ایران بهترین محک اهمیت و حقانیت این نظریات از آب درآمد. همانا عامل ایرانی بود که به تحقیقات و پژوهش‌های جدیدی تحرك بخشید که نه عواملی فنی بلکه عوامل تمدنی توسعه را در اولویت قرار می‌دهند. متأسفانه ایران‌شناسی شوروی بیشتر به جنبه‌های اجتماعی و طبقاتی مسائل مربوط به ایران توجه داشت.

رویداد دوم بیست سال اخیر که بر ایران‌شناسی اثر فراوانی گذاشت و برای آن مسائل جدیدی مطرح کرد، فروپاشی اتحاد شوروی بود. بسیاری از مراکز ایران‌شناسی به مراکز خارجی تبدیل شدند. باید دانست که حتی اگر همکاری مراکز روسی با مراکز جمهوری‌های شوروی سابق تا بالاترین سطح ممکن احیا شود، این دیگر چیزی جز روابط بین دولتی نخواهد بود. هریک از دولت‌های جدید دارای منافع خود و نظریه ملی خود هستند و لذا حتی در صورت هماهنگی پژوهش‌ها، ایران‌شناسی نمی‌تواند واحد باشد. به همین دلیل علم روسی باید وارد آن زمینه‌های پژوهشی شود که قبلاً عرصه فعالیت ایران‌شناسان جمهوری‌های شوروی بود. امتناع از مارکسیسم-لنینیسم به عنوان ایدئولوژی واحد دولتی این ضرورت را به وجود می‌آورد که نه فقط جهت‌گیری‌های جدید ایران‌شناسی بررسی شوند، بلکه مسائلی هم که گویا به اندازه کافی حل شده بودند، مورد بازنگری قرار گیرند. این امر در مورد ارزیابی جنبش‌های ملی، استقرار نظام سرمایه‌داری، توسعه اندیشه اجتماعی در ایران، فعالیت سرمایه خارجی، روحانیت، ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از منابع آرشئولوژی روسی و ایرانی است که قبلاً به خاطر محدودیت‌ها، ایدئولوژیکی کاربرد آنها مجاز نبود.

دسته سوم مسائلی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی برای ایران‌شناسی روسی مطرح شدند، با تأمین مالی ارتباط دارند. کاهش امکانات مالی علمی به خاطر مشکلات مالی کشور بر کسی پوشیده نیست، ولی نمی‌توان از این موضوع گذشت. مسئله فقط این نیست که دانشمندانی که در زمینه علوم پایه فعالیت می‌کنند، زندگی دشواری دارند. به علت افت اعتبار کار علمی، جوانان وارد عرصه علم نمی‌شوند. با این حال، گرایش دولت روسیه به توسعه نامیاب‌ها با ایران، علاقه عملی به مطالعه این کشور را تشویق می‌کند. نیاز به ایران‌شناسان کاهش نمی‌یابد و تعداد روزافزونی دانشجو وارد این رشته تحصیلی می‌شوند، ولی بدیهی است که کاهش پژوهش‌های بنیادین بر کیفیت مواد درسی اثر منفی می‌گذارد. اکنون در روسیه کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران به

خصوص در زمینه اقتصاد و تاریخ وجود ندارد. به علت فقدان تأمین مالی مناسب، امکان تکمیل کتابخانه‌ها هم کاهش یافته است. همین مسئله توسعه فناوری‌های جدید اطلاع‌رسانی را محدود می‌کند. این، مسئله بزرگی نه فقط برای مطالعات اساسی و تربیت نیروی جوان علمی، بلکه برای کل ایران‌شناسی به عنوان علمی کاربردی است. فقدان منابع دست اول باعث می‌شود که پژوهشگران به آثار مؤلفان غربی که بیشتر در دسترس آنهاست، مراجعه کنند. ولی نویسندگان غربی فقط از آن مواد آماری و از آن واقعیاتی استفاده می‌کنند که بار خاص ایدئولوژیکی و سیاسی دارند و با نظریه کلی آنها مغایرت ندارد.

تماس‌های علمی در سطح پایینی قرار دارد. به علت کمبود تأمین مالی، سفرهای دانشمندان روس به ایران محدود می‌شود. برقراری تماس‌های نزدیک با مراکز علمی و کتابخانه‌های ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. از جمله می‌توان به مراکز اسلامی قم و مشهد اشاره کرد که در آنجا امکان آشنایی بهتر با دیدگاه‌های علمای ایرانی معاصر، نظر آنها درباره گذشته، حال، و آینده کشور، جایگاه دین در جامعه، تأثیر آن بر مدرنیزه کردن نظام سیاسی و اقتصادی، و روابط با ادیان دیگر، وجود دارد.

کمبود مالی طبیعتاً مانع از انتشار آثار علمی هم می‌شود. بسیاری از آثار ایران‌شناسان روس و از جمله آناری که اوایل دهه ۱۹۹۰ م در بخش ایرانی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه تهیه شد، تاکنون منتشر نشده یا به صورت بسیار خلاصه منتشر شده‌اند. اکنون تغییراتی در این زمینه پدید می‌آید. انتشارات مؤسسه خاورشناسی و انتشاراتی که با کمک‌های مالی خصوصی فعالیت می‌کنند، به آثار در زمینه ایران‌شناسی علاقه‌مند شده‌اند. کتاب‌های مربوط به ایران فوراً به فروش می‌روند.

در این باره جا دارد به حمایت و پشتیبانی طرف ایرانی تقریباً از همه سفرهای دانشمندان روس به ایران اشاره شود. با پشتیبانی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۹۰ م (مسکو، ۱۹۹۸) به چاپ رسید. به برکت کمک مالی رایزنی فرهنگی ایران و سفارت ایران، در سال ۱۹۹۹ م مجموعه مقالات انقلاب ایران: گذشته، حال، و آینده (براساس مواد همایش بین‌المللی) انتشار یافت. در میان مؤلفان این مجموعه، نویسندگان ایرانی هم هستند. همکاری دانشمندان روسیه و ایران در زمینه انتشار مجموعه مقالات مشترک می‌تواند بسیار ثمربخش باشد. هر مقاله یا باید به زبان اصلی یا چکیده ترجمه آن منتشر شود. باید مرکز

علمی روسی- ایرانی هماهنگی انتشار آثار مشترک و برگزاری همایش های علمی را تشکیل داد.

صرف نظر از این که در محافل نخبگان سیاسی و اقتصادی روسیه گروه هایی با دید قطبی درباره ضرورت توسعه مناسبات با ایران و دورنمای این مناسبات وجود دارند، دانشمندان ایران شناس و به خصوص کسانی که روی ایران معاصر کار می کنند، باید دید بی طرفانه علمی را حفظ کنند. ایران شناسی روسی در وضعیت به ویژه مشتتگی قرار گرفته است، چرا که ایران در سیاست معاصر به «آتویی» تبدیل شده است که نه فقط در مناسبات بین روسیه و ایالات متحده بلکه در داخل روسیه بین احزاب گوناگون به بازی گرفته می شود. در روسیه مراکز مختلف خودمختاری به وجود آمده اند که روی مسائل ایران کار می کنند. این مراکز قاعدتاً به تحلیل مسائل معاصر ایران می پردازند. اکثر این مراکز فعالیت خود را بر مبنای انعکاس دیدگاه های سیاسی گروه ها و احزابی که آنها را تأمین می کنند، برقرار می سازند. می توان گفت که در این زمینه ایران شناسی آشکارا حالت کاربردی به خود می گیرد. باید ضمن بررسی وضعیت ایران شناسی روسیه این پدیده اصولاً جدید نیز در نظر گرفته شود، ولی نباید تمام ایران شناسی را تداومی کند. در خاتمه باید به مسائل علمی ایران شناسی اشاره شود که روی مسائل تاریخ معاصر کار می کنند و به خصوص در زمینه هایی فعالیت می کنند که اکنون کمتر مورد توجه قرار می گیرند. پژوهش های اساسی این مرحله از تاریخ ایران در بخش ایران مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه متمرکز شده است. این پژوهش ها عمدتاً با توسعه ایران در مرحله حکومت اسلامی ارتباط دارند. مؤسسه خاورشناسی، تک نگاری دسته جمعی ای درباره جنبه های مختلف توسعه جامعه بعد از سرنگونی رژیم شاه را تهیه می کند. متأسفانه، در این کتاب مسئله ارضی مورد توجه کافی قرار نگرفته است. در واقع، جهت گیری جداگانه مطالعه اسلام در ایران، جریان ها، اشکال سازمانی اسلام، و ارتباط بین اصول و واقعیات اسلامی وجود ندارد. مسائل قوانین مالیاتی و کاری، مسئله زنان، شکل گیری قشر نخبگان، تجارت داخلی و اشکال آن، موقعیت اقشار مختلف جامعه و اوضاع جمعیتی، کمتر مورد مطالعه قرار می گیرند. آثار پژوهشی مخصوصی درباره زیربنای اقتصادی و اجتماعی ایران وجود ندارد. با وجود باز شدن آرشیوهای متعدد و فقدان نظارت ایدئولوژیکی، تاکنون جنبه های متعدد روابط روسیه با ایران در قرن بیستم و در گذشته دور مورد بازنگری قرار نگرفته است.